

دشواری های تصحیح

محمود نظری
کارشناس دایره تصحیح و تدوین

نسخه‌خطی

تصحیح متون و به عبارتی دیگر تصحیح نسخه‌های خطی، بر خلاف پندار برخی مبنی بر سهل و آسان بودن این کار، بی‌شک تلاش و زحمت و حوصله و دقت فراوانی را می‌طلبد. علاوه بر این که مصحح باید ویژگی‌ها و توانایی‌هایی داشته باشد تا احیا و تصحیح نسخه‌های خطی را، که دستاورد تلاش‌های علمی و طاقت فرسای گذشتگان است، به نحو مطلوبی انجام دهد و متنی منقح و پاکیزه و استوار به عرصه فرهنگ و مشتاقان میراث مکتوب کهن عرضه کند، که البته این کار، از برخی جهات دشوارتر و پر زحمت‌تر از تالیف و ترجمه است. اساتید و محققانی چون ایرج افشار، نجیب مایل هروی، مرحوم زرین کوب، علامه قزوینی، جلال‌الدین همایی و دیگر بزرگانی که در این حوزه به فعالیت اشتغال داشته و دارند، همگی در گفته‌ها و نوشته‌های خویش به خطیر بودن و دشواری این امر معترفند.

چنان که در رابطه با تصحیح گفته شده، هدف و غایت نقد و تصحیح متون آن است که، از روی نسخ خطی موجود و نسخه اصلی یا قریب به اصل، یک اثر را احیا، مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی عرضه دارند که خواننده اهل تحقیق بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگر اصل یک اثر را در دست ندارد، نسخه‌ای از آن را دارد که به نسخه اصلی مصنف یا مولف به نهایت درجه نزدیک است.^۱

لذا چنان چه بخواهیم از این متون به نحو شایسته‌ای بهره‌برداری کنیم، ناگزیریم بر اساس ضوابطی خاص آنها را به گونه‌ای تصحیح کنیم تا به آنچه منظور و مقصود نویسنده بوده و از قلمش صادر شده دست یابیم.

مرحوم استاد جلال‌الدین همایی، ضمن اشاره به این که تصحیح غیر از مقابله کردن نسخه‌هاست، اظهار می‌دارد: "نسخه‌ها را باهم مقابله کردن و اختلافات آن را در حواشی ثبت نمودن، عمل کتاب و نسخ است، نه هنر اهل تحقیق و انتقاد. این عمل را احیاناً وراقان قدیم و کتاب فروشان متاخر نیز انجام می‌دادند و

علم پنداشته‌اند که تحقیق متون سهل و آسان است... ولی اینان نمی‌دانند که مصحح امین و وظیفه‌شناس چه بسا یک شب کامل را در تصحیح یک کلمه یا استوارسازی یک عبارت، یا پیدا کردن ماءخذ یک شعر یا کاوش در شرح حال شخصیتی در کتاب‌های تراجم صرف می‌کند.^۲

آری باید گفت بسیاری از نسخه‌های خطی که به اصطلاح تصحیح و تحقیق شده و منتشر گردیده‌اند، اما به علت عدم رعایت ضوابط و شرایط فن تصحیح و یا اهلیت نداشتن مصحح آن، تزییع شده و نیاز مجدد به صرف وقت و هزینه جهت احیا و تصحیح دارند.

آقای ایرج افشار در این باره اظهار می‌دارد: "کسی که متنی قدیمی را می‌یابد و از روی نسخه‌های خطی به چاپ آن می‌پردازد، زحماتی را به نحو ذیل متحمل می‌شود:

۱. شناسایی متن بر اساس ملاحظه و مراجعه و صرف وقت در مطالعه فهرست‌های کتابخانه‌ها و اعمال نقد و نظر در وجوب و لزوم چاپ آن و بازبینی نسخه‌های متعدد و تشخیص دادن این که کدام یک از آنها می‌تواند اساس کار قرار گیرد، البته تمام این مراحل متضمن صرف وقت و قوه تمیز و نظر انتقادی است.

۲. گردآوری عکس از نسخه‌ها به منظور استنساخ که متضمن مخارج مادی است و دوندگی‌ها در تحصیل آنها مخصوصاً از کشورهای دیگر.

۳. استنساخ متن از روی نسخه‌ای که اساس دانسته می‌شود و مقابله آن با نسخ دیگری که هر یک به رسم الخطی و شیوه‌ای تحریر شده و خواندندشان چشم کورکن است به منظور آوردن نسخه بدل‌ها و احتمالاً برگزیدن وجه بهتر از نسخ متفاوت به جای صورتی که در نسخه اساس هست. این نوع دقت نظرها متضمن صرف وقت و اعمال بصیرت علمی است...

۴. ناشربایی و غلطگیری چند باره متن و پس و پیش کردن‌ها و تنظیم فهراس و برافزودن مقدمه‌ای که گویای فواید و خصایص متن و معرفی واقعی و نخستین آن به عموم خواهد بود، این مراحل معمولاً یکی دو سال وقت‌گیری دارد.^۳

این سطور شمه‌ای بود از دشواری‌های طاقت فرسای تصحیح نسخ خطی از زبان بزرگان این فن، جهت آشنایی خوانندگان. ضمن آرزوی توفیق برای مصححان و محققان ارجمند میراث مکتوب، امیدواریم که امر احیا، و تصحیح نسخه‌های خطی گران‌سنگ ایرانی و اسلامی در کشورمان به صورتی بهتر و با دقتی بیشتر انجام پذیرد.

ان شاءالله تعالی

نمونه‌های آن در کتب خطی و چاپی فراوان است، اما تصحیح فن دیگری است. در این عمل، علاوه بر مقابله نسخ، باید شخص مصحح چندان احاطه و تبحر و قوه تشخیص و فهم استدلال داشته باشد که مواضع غلط را از صواب و نسخه‌های راجح را از مرجوح تمیز بدهد و با تثبیت و تنقیب و نهایت بذل جهد و استفرغ وسع، تا آنجا که سرحد امکان و طاقت بشری است و در سنت امانت و وثاقت محظور نیست، متن کتاب را از تحریفات و تصحیفات نساخته بپیراید و آن را چنان به صلاح بار آورد که از زیر قلم مؤلفش بیرون آمده باشد.

مرحوم همایی در ادامه می‌افزاید: "که کار تصحیح نسخه‌های خطی مانند اکثر امور فرهنگی دستخوش مداخلات نااهلان گردیده و گاهی که محصول بی‌فایده ایشان به بازار می‌آید، مایه فزاحت و خجالت و شرمساری است." مرحوم محمد قزوینی مکرراً می‌فرمود: "نسخ خطی هم چنان مخطوط باقی بماند، هزار بار بهتر از آن است که مغلوپ چاپ شود، زیرا که این عمل در واقع خیانتی است که به فرهنگ کشور می‌شود و حقی بزرگ از علوم و معارف بشری را تزییع می‌کند، چه قدر مسلم زیانش این است که دیگر کسی به این زودی‌ها در فکر تصحیح آن کتاب نمی‌افتد و پس از چندی که بر این حال گذشت و اغلاط در اذهان رسوخ یافت و سیم دغل به جای زرناپ رایج شد، بلای استدراکش اضعاف زحمتی است که باید در تصحیح خود کتاب کشید".^۴ دکتر ستوده نیز در این باره اظهار می‌دارد: "زحمت تصحیح یک متن خطی گاهی از دشواری یک تالیف مستقل بیشتر است و چه مایه خون دل باید خورد و رنج برد تا از میان اختلافات گوناگون نسخه‌های خطی یک کتاب بتوان متنی کامل و منقح و نزدیک به متن اصلی کتاب ارائه داد. اهمیت و دشواری تصحیح متون علمی بس افزونتر است، زیرا اصلاح و شرح مسائل کتب علمی بدون اهلیت و سابقه تحصیلی و احاطه به مقدمات علوم امکان‌پذیر نیست."^۵

دکتر رمضان عبدالنواب گوید: "برخی از مدعیان

۱. یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، دکتر عبدالحسین زرین کوب.

۲. مختاری‌نامه، صص ۷۵-۷۴.

۳. مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادب فارسی، ص ۴۳۳.

۴. مناہج تحقیق التراث بین القدامی و المحدثین، ص ۴.

۵. جهان کتاب سال دوم، شماره پانزدهم و شانزدهم، ص ۳۰.